



دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی

پایان نامه

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت

عنوان

فرصتها و تهدیدهای عصر جهانی شدن برای تربیت اخلاقی جوانان

استاد راهنما

دکتر عزت خادمی

استاد مشاور

دکتر محسن ایمانی نائینی

دانشجو

مریم شیربیگی

دی ماه ۱۳۸۸

چکیده

جهانی شدن یکی از پدیده‌هایی است که زندگی انسان معاصر را تحت تاثیر قرار داده است. یکی از ابعاد زندگی بشری که از فرآیند جهانی شدن متأثر می‌گردد، فرهنگ و به تبع آن تربیت اخلاقی جوانان است. لذا تبیین و شناخت تربیت اخلاقی جوانان و تاثیرپذیری آن از جهانی شدن از اهمیت فراوانی برخوردار است. این تحقیق بر آن است که به فرصت‌ها و تهدیدهای جهانی شدن برای تربیت اخلاقی جوانان بپردازد. بدین منظور به شرح و توصیف مفهوم جهانی شدن، توصیف اخلاق و تربیت اخلاقی پرداخته شده است. سپس در فصل سوم مؤلفه‌های اخلاق که در این پژوهش فضایل اخلاقی (عفت، شجاعت، حکمت، عدالت) به عنوان مؤلفه اخلاق مورد نظر است. و مؤلفه‌های جهانی شدن که ابعاد جهانی شدن (اقتصادی، سیاسی، فرهنگی) است، توضیح داده شده است. لازم به ذکر است که از مؤلفه‌های اخلاق عفت و از مؤلفه‌های جهانی شدن، فرهنگ مورد بررسی قرار گرفته است. پس در فصل چهارم به بررسی تاثیر مؤلفه‌های جهانی شدن بر مؤلفه‌های تربیت اخلاقی جوانان پرداخته شده است. و در فصل آخر هم با دسته‌بندی تجزیه و تحلیل یافته‌ها نتایج زیر حاصل شد. جهانی شدن تهدیدهایی نظیر؛ تضعیف باورهای دینی در جوانان، تلاش برای نامتعهد کردن جوانان نسبت به عفت و ارزشهای اخلاقی از طریق تحریف معنای آزادی، تضعیف احساس خود ارزشمندی و ترغیب به بی‌تفاوتی نسبت به ارزشهای اخلاقی در میان جوانان، هدایت زنان جوان به سوی بدحجابی، رواج فرهنگ مصرف‌گرایی در جوانان را به وجود آورده است، و در کنار تهدیدها فرصت‌هایی چون اهمیت یافتن اصل اخلاقی همکاری و تفاهم، تعاملات جهانی اخلاقیات در میان جوانان ادیان مختلف، تبادل اطلاعات میان جوانان از فرهنگ‌های مختلف را فراهم ساخته است.

واژگان کلیدی: جهانی شدن، تربیت اخلاقی، جوانان، فرصت‌ها، تهدیدها

فصل اول: کلیات تحقیق

چکیده

| | |
|-------------------------------|----|
| مقدمه | ۸ |
| ۱-۱- بیان مسئله | ۹ |
| ۲-۱- ضرورت و اهمیت پژوهش | ۱۳ |
| ۳-۱- پرسشهای پژوهش | ۱۴ |
| ۴-۱- اهداف تحقیق | ۱۴ |
| ۵-۱- روش پژوهش | ۱۵ |
| ۶-۱- تعاریف مفاهیم و اصطلاحات | ۱۶ |

فصل دوم: مبانی نظری و عملی پژوهش

پیشینه نظری

| | |
|---------------------------------------|----|
| مقدمه | ۱۷ |
| ۱-۲- تعاریف جهانی شدن | ۱۸ |
| ۲-۲- سیر تاریخی مفهوم شناسی جهانی شدن | ۲۱ |
| ۳-۲- اهمیت جهانی شدن | ۲۷ |
| ۴-۲- تاریخچه جهانی شدن | ۲۹ |
| ۵-۲- چرایی جهانی شدن | ۳۴ |
| ۶-۲- چرایی جهانی شدن | ۳۷ |

- ۳۸-۷-۲- چگونگی جهانی شدن
- ۴۰-۸-۲- ابعاد جهانی شدن
- ۴۸-۹-۲- عوامل تعیین کننده جهانی شدن
- ۴۹-۱۰-۲- دیدگاههای گوناگون در موافقت و مخالفت با پدیده جهانی شدن
- ۵۶-۱۱-۲- نظریه های جهانی شدن
- ۵۹-۱۲-۲- رویکردهای جهانی شدن
- ۶۱-۱۳-۲- مفهوم شناسی تربیت، اخلاق و تربیت اخلاق
- ۶۳-۱۴-۲- اهمیت و نقش تربیت و اخلاق در تربیت اخلاقی
- ۷۳-۱۵-۲- تعیین ابعاد و قلمرو اخلاق و تربیت اخلاقی
- ۷۷-۱۶-۲- مبانی فلسفی اخلاق
- ۸۵-۱۷-۲- نوجوانی و جوانی
- ۸۷-۱۸-۲- ویژگی ها و اهمیت دوره جوانی

پیشینه عملی

- ۸۷-۱۹-۲- تحقیقات داخلی
- ۹۱-۲۰-۲- تحقیقات خارجی
- ۹۳-۲۱-۲- جمع بندی

فصل سوم: یافته های پژوهش

- ۹۴-مقدمه
- ۹۴-۱-۳- فضایل اخلاقی

- ۲-۳ - مؤلفه های اخلاق ۹۶
- ۳-۳- تعریف عفت ۱۰۰
- ۱-۳-۳- واژه عفت در قرآن کریم ۱۰۱
- ۲-۳-۳- ثمرات و نتایج عفت ورزی ۱۰۴
- ۴-۳- مؤلفه های جهانی شدن ۱۰۸
- ۱-۴-۳- بعد معرفتی ۱۰۹
- ۲-۴-۳- معیارهای معرفت شناسی جهانی شدن ۱۱۰
- ۳-۴-۳- اصول معرفت شناختی جهانی شدن ۱۱۲
- ۵-۳- مبانی فلسفی جهانی شدن ۱۱۳
- ۶-۳- ابزارهای جهانی شدن ۱۱۷
- ۷-۳- جهانی شدن و انقلاب ارتباطات ۱۱۹
- ۸-۳- تعامل اطلاعات با جهانی شدن ۱۲۰
- ۹-۳- تاثیر بعد ابزاری و معرفتی جهانی شدن بر تربیت اخلاقی جوانان ۱۲۱
- ۱۰-۳- جهانی شدن و تعلیم و تربیت ۱۲۳
- ۱۱-۳- نسبت میان فرهنگ و تعلیم و تربیت ۱۲۶
- ۱۲-۳- رابطه جهانی شدن و فرهنگ ۱۳۰
- ۱۳-۳- رابطه فرهنگ با تربیت اخلاقی ۱۳۳
- ۱۴-۳- نسبت تکثرگرایی با فرهنگ جهانی ۱۳۴
- ۱۵-۳- نسبت میان تکثر گرایی با تربیت اخلاقی ۱۳۶
- ۱۶-۳- جمع بندی ۱۳۸

فصل چهارم: فرصتها و تهدیدها

| | |
|---|-----|
| مقدمه | ۱۴۰ |
| ۱-۴- سکولاریسم و جهانی شدن | ۱۴۱ |
| ۲-۴- جهانی شدن و پست مدرنیسم | ۱۴۳ |
| ۱-۲-۴- مقایسه ی ویژگی های پسامدرن و جهانی شدن | ۱۴۳ |
| ۳-۴- اصول تربیت اخلاقی پست مدرنیسم | ۱۴۶ |
| ۴-۴- جهانی شدن و فمینیسم | ۱۴۹ |
| ۱-۴-۴- چالشهای برآمده از جهانی شدن فمینیسم | ۱۵۰ |
| ۲-۴-۴- فرصتهای ناشی از جهانی شدن فمینیسم | ۱۵۲ |
| ۵-۴- تاثیر افکار سکولار و پست مدرنیسم بر اخلاق جوانان | ۱۵۳ |
| ۶-۴- جهانی شدن و جوانان | ۱۵۴ |
| ۷-۴- جوانان و رسانه ها | ۱۵۶ |
| ۸-۴- جهانی شدن و تحریف معنای آزادی در بین جوانان | ۱۵۷ |
| ۹-۴- رواج فرهنگ مصرف گرایی در جوانان | ۱۶۱ |
| ۱۰-۴- نگاه جوانان به مسائل جنسی در عصر جهانی شدن | ۱۶۱ |
| ۱-۱۰-۴- جوانان غربی و رابطه جنسی | ۱۶۲ |
| ۱۱-۴- انواع الگوهای جنسی در دوران معاصر | ۱۶۳ |
| ۱۲-۴- ارتباط شهروندی و جهانی شدن | ۱۶۶ |

- ۱۶۸..... یادگیری برای باهم زیستن ۱-۱۲-۴
- ۱۶۹..... توجه جوانان به ارزشهای عمیق انسانی در عصر جهانی شدن ۱۳-۴
- ۱۷۰..... تأثیر جهانی شدن بر اهداف تربیت اخلاقی و ارزشی ۱۴-۴
- ۱۷۲..... تأثیر جهانی شدن بر محتوای تربیت اخلاقی ۱۵-۴
- ۱۷۳..... تأثیر جهانی شدن بر اصول تعلیم و تربیت اخلاقی ۱۶-۴
- ۱۷۷..... جمع بندی ۱۷-۴

فصل پنجم: بحث و نتیجه گیری

- ۱۷۸..... مقدمه ۱۷۸
- ۱۷۹..... نتیجه گیری ۱۷۹
- ۲۰۵..... منابع و ماخذ ۲۰۵

مقدمه

جهانی شدن فرآیندی است که محصول «صنعت ارتباطات جهانی»^۱ و منشأ تغییرات ساختاری در مفهوم جامعه و جماعت شده است و به نوعی «فراملی کردن فرهنگها» و تغییر در مفهوم عمومیت را هم در حوزه عمومی و هم در فضایی مذهبی به دنبال داشته است. از طرفی ایدئولوژی ناظر بر «ترم افزار جهانی شدن» جهت گیری خاصی را در این روند تشدید نموده است.

مهم ترین پیامد ایدئولوژیک جهانی شدن، تشدید شیب مدرنیته غرب است. مدرنیته غرب یک حوزه معرفتی گسترده ای دارد که از یک طرف سکولاریزم و ارزشهای نظام لیبرال دموکراسی و از طرف دیگر «نوگرایی، پیشرفت، تنوع و مصرف گرایی» در کانون مرکزی آن قرار دارد.

اگر چه جهانی شدن، هم به عنوان یک اندیشه و آرمان و هم به عنوان یک واقعیت اجتماعی پدیده ای قدیمی محسوب می شود، ولی جهانی شدن با مفهوم امروزی آن پدیده ای است کاملاً جدید و در واقع مبنای شکل گیری دوره ای جدید در تاریخ بشر محسوب می شود که آلبرو^۲ از آن تعبیر به «عصر جهانی»^۳ می کند. جهانی شدن، با مفهوم امروزی خود محصول ظهور تحول در صنعت ارتباط جهانی می باشد. این صنعت نوع جدیدی از «ارتباطات مجازی» را بوجود آورده است که به آن «ارتباطات همزمان» می گویند. در فضای ارتباطی جدید، عامل زمان و مکان کم رنگ شده است و دوری و نزدیکی به عنوان عامل خنثی در ارتباطات محلی و جهانی محسوب می شوند. صنعت ارتباطات از طریق تلکس، تلفن، نمایر، رادیو، تلویزیون، سینما، و بالاخره اینترنت، جهان جدید را به موازات جهان واقعی به وجود آورده است که جهان بی مرز، جهان بی مکان^۴ به تعبیر دقیق تر «جهان مجازی» نام گرفته است. این جهان جدید در کنار جهان واقعی، منشاء ظهور جهانی شدن های بسیار شده است که در شکل بنیادین آن می توان از آن تعبیر به "دو جهانی شدن" نمود.

^۱ . Global communication Industry

^۲ . Albrow.M

^۳ . Global Age

^۴ . place less

جهانی شدن اول متأثر از تراکم ارتباطات در جهان واقعی است و جهانی شدن دوم منعکس کننده تراکم ارتباطات در جهان مجازی. جهانی شدن هر چه که باشد، مسلماً موجب تحولاتی شده که نیاز به شناخت از سوی پژوهشگران دارد. از سوی دیگر این تحولات می تواند برای کل علوم انسانی و بعضاً علوم طبیعی پیامدهایی داشته باشد. به هر حال، نکته مهم این است که، علی رغم تبیین های گوناگون نظریه پردازان از جهانی شدن، در مورد این که این پدیده به تبع پیوندهای رشد یابنده و وابستگی های متقابل کشورها به یکدیگر به صورت نظام اجتماعی واحدی درآمده و دوره ای از تغییرات سریع را موجب شده است، توافق وجود دارد. دو ویژگی عمده این دوره عبارت است از: تغییر در الگوهای تولید و تجارت و نیز تسریع در روند علم و نوآوری در فناوری. این تغییرات و تحولات به نوبه خود، فرصت ها و چالش های عمده ای را در کلیه شئون زندگی پدید آورده و انسان را به ایجاد تغییرات در ساختارها و کارکردهای جامعه ملزم کرده است. در مورد چالش های ناشی از جهانی شدن، بحث های مختلفی مطرح شده و طبقه بندی های گوناگونی ارائه شده است. چنانچه می توان از چالش های اقتصادی، سیاسی، اخلاقی، فرهنگی و اجتماعی جهانی شدن صحبت به میان آورد. ولی در عالم واقع، این تفکیک امکان پذیر نیست و هر یک از چالش های ایجاد شده، اولاً با چالش های دیگر در ارتباط تنگاتنگ است و ثانیاً این که، تاثیرگذاری چالش ها بر ساختارها و کارکردها در تمام ابعاد و به طور همزمان صورت می گیرد. بدون شک، تغییر در ساختارها و عملکردها، بدون آموزش نسل جدید و تربیت آنها برای مقابله با این چالش ها امری بیهوده است

۱-۱- بیان مسئله

با توجه به تحولات عظیمی که در گستره ی زندگی بشر در چند دهه اخیر رخ داده است، نیازهای متقابل بشری، بطور فزاینده ای رو به گسترش است. بدین ترتیب کشورها و جوامع گوناگون دنیا نمی توانند، بدون توجه به این تحولات به حیات خود ادامه دهند. تمامی کشورها ناگزیرند در عرصه های مختلف زندگی به همکاری و تعامل با یکدیگر بپردازند و از اطلاعات و دانش یکدیگر بهره ببرند. در این میان ابزارهای نوین فن آوری های ارتباطی همچون رایانه، اینترنت و ماهواره ها موجب تسهیل هر چه بیشتر این تعاملات شده اند

به طوری که تاثیرپذیری نقاط مختلف جهان از وقایعی که در نقاط دور دست روی می دهند روز به روز افزایش می یابد و به همین ترتیب کم کم مفهوم جهانی شدن شکل می گیرد.

جهانی شدن در ابتدایی ترین معنای خود به مفهوم کوچک شدن جهان از یک سو و افزایش سریع آگاهی نسبت به کل جهان از سوی دیگر است. از اصطلاح جهانی شدن تعاریف گوناگونی ارائه شده است، هر یک صاحب نظران متناسب با حوزه کاری خود جنبه های خاصی را از آن مهم دانسته و به تفسیر و تبیین آن پرداخته اند. آنچه در مفهوم جهانی شدن مشترک به نظر می رسد بعد ارتباطی این مفهوم می باشد بدین معنا که جهان شاهد ارتباطات فراگیری است و با این ارتباطات زمان و مکان به گونه ای پشت سر گذاشته شده اند (افروغ، ۱۳۸۰: ۱۹). اگر چه این پدیده بیش از هر چیز ماهیت اقتصادی دارد اما این موضوع از اهمیت ابعاد دیگر آن مانند بعد فرهنگی و سیاسی نمی کاهد به عبارت دیگر جهانی شدن به مثابه یک فرایند جامع، کلیه حوزه های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی را متأثر ساخته است. جهانی شدن در بعد اقتصادی به معنای مفهوم و نظریه ای است که بر اساس آن توسعه سریع فعالیت های اقتصادی، تجاری، سرمایه ای و تولیدی در سراسر جهان با پشت سر گذاردن مرزها، حاکمیت ها، بازارهای ملی و ایجاد یک بازار بدون مرز واحد جهانی در حال شکل گیری است (پور احمدی، ۱۳۸۰: ۱۰۰۵). در بعد سیاسی جهانی شدن موجب تضعیف دولتهای ملی، کمرنگ شدن مرزهای بین المللی، افول تدریجی حاکمیت و ایجاد مجدد دولت شهرها پدیده هائی است که در آینده، سیاستهای جهانی را که براساس نظام بین المللی شکل یافته، دچار دگرگونی خواهد کرد (پیشگاهی فر، ۱۳۸۵: ۱۰۱۰) در بعد فرهنگی و اجتماعی که عمده ترین وجه تعارض و تقابل در فرایند جهانی شدن است مهاجرت و فرار مغزها افزایش می یابد که این عامل باعث تغییر شکل جمعیت شناختی کشورهای جهان می شود. البته جهانی شدن فرهنگ اصطلاح تأویل پذیری است که از آن تعبیراتی متفاوتی ارائه شده است. یعنی میان کسانی که به مساله جهانی شدن فرهنگ پرداخته اند اتفاق نظر وجود ندارد عده ای آن را پدیده ای محتوم دانسته و نظر داده اند که دیر یا زود باید در برابر آن سر تسلیم فرود آورد و پذیرای آن شد برخی دیگر گفته اند که جوامع در قبول یا رد آن آزادند و

اختیار دارند که درباره آن تصمیم بگیرند. آنهایی که جهانی شدن را امری جبری دانسته اند اظهارداشته اند که جهانی شدن به اقتضای تحولات اقتصادی، سیاسی، علمی و گسترش ارتباطات در عصر حاضر رخ نموده است و کشورها لاجرم باید خود را با آن هماهنگ سازد براساس چنین برداشتی باید پذیرفت که فرهنگی خاص، سلطه خود را بر اخلاق، هنر، اقتصاد، سیاست و نیز رفتارهای فردی و جمعی انسانها اعمال خواهد کرد و جهان سرانجام صاحب فرهنگی یکسان خواهد شد. اما کسانی که از جهانی شدن تفسیری سلطه جویانه ندارد براین باورند که جهانی شدن به معنی سیطره یک فرهنگ خاص بر جهان نیست بلکه چون انسانها همگی عضو جامعه جهانی هستند، باید به مسائلی که جامعه جهانی با آن دست به گریبان است بیاندیشند و برای رفع تنگناها و دشواریهایی که بشریت با آن روبروست همکاری کنند اینان ضمن قبول کثرت گرایی فرهنگی به عنوان یک واقعیت، گفتگوی میان تمدنها، تفاهم فرهنگی، دستیابی به ارزشهای مشترک، احترام متقابل، مشارکت بین المللی و نیز شکیبایی را تجویز می کنند در همین زمینه عده ای گفته اند که شکل گیری فرهنگ جهانی به افول اضمحلال فرهنگهای ملی و منطقه ای نمی انجامد. زیرا فرهنگهای بومی دارای نظام ارزشی قدرتمندی هستند و فرهنگ جهانی نمی تواند این فرهنگها را در خود هضم کند اگر فرهنگی در حال افول است علت آن به ضعف درونی آن فرهنگ مربوط می شود تا به ظهور یک فرهنگ جهانی (محسن پور، ۱۳۷۹). به هر ترتیب جهانی شدن در بعد فرهنگی دارای تاثیرات بسیار مهمی است که هر جامعه و فرهنگی جهت حفظ و ارتقای خود در میان سایر فرهنگها باید آنها را شناخته تا بتواند از جهانی شدن به عنوان یک فرصت بهره گیرد. به علت وابستگی و ارتباط متقابل بین اقتصاد و سیاست و فرهنگ با تعلیم و تربیت لزوماً هر تحولی که در حوزه های مذکور اتفاق بیفتد به طبع نظام تعلیم و تربیت را متحول خواهد کرد. شناخت چگونگی تاثیر پذیری نظام های تعلیم و تربیت از هر یک از ابعاد جهانی شدن و پژوهش در این زمینه برای هر نظام آموزشی از اهمیت ویژه ای برخوردار است اگر بخواهیم در فرآیند جهانی شدن دخالتی داشته باشیم، باید ابتدا آن را بشناسیم و بینشی عمیق و همه جانبه نسبت به آن داشته باشیم تا بتوان بر چگونگی تأثیر و تأثرات آن بر نظام تعلیم و تربیت کشورمان آگاهی کامل

یافته و در مقابله با آن هوشمندانه عمل کرد. از طرفی تعلیم و تربیت در همه دوران ها تحت تأثیر جریانات و تحولات اجتماعی بوده است. در عصر حاضر نیز آموزه های مدرنیته و پست مدرنیته حوزه های تعلیم و تربیت را به شدت تحت تأثیر قرار داده است. تعلیم و تربیت اکثر کشورها نیز به دلیل اینکه به نوعی از تعلیم و تربیت غرب اقتباس شده است، از این تأثیرات مصون نخواهد بود در کشور ما نیز تعلیم و تربیت هر چند محتوایی کاملاً دینی دارد و متفاوت از نوع غربی است ولی همچنان تحت تأثیر غرب قرار دارد.

همان طور که اشاره شد هدف غائی در تربیت سوق دادن آدمی به سوی ارزش هاست که تحقق این هدف مستلزم توجه و اهتمام بیشتر به تربیت اخلاقی است. و تأکید اکثریت اندیشمندان حوزه تعلیم و تربیت روی این بعد از تربیت (تربیت اخلاقی) مؤید آن است. برای مثال مک دونالد «تعلیم و تربیت را امری اخلاقی می داند و نه صرفاً مجموعه ای از مسائلی فناورانه که در چارچوب طرحواره ای مفهومی و رضایت بخش حل می شوند». "اپل" از محققین برنامه درسی نیز جانبدار دیدگاهی اخلاقی درباره تعلیم و تربیت است و می گوید: تعلیم و تربیت امری اخلاقی است و بی تمسک به آن فهم پذیر نیست. بنابراین تعلیم و تربیت باید نسبت به مبادی اخلاق و اصول عدالت و مسئولیت در برابر دیگران اهتمام ورزد (پاینار به نقل از عطاران، ۱۳۷۹: ۱۰۹-۱۱۰). پیتز در کتاب "اخلاق و آموزش و پرورش" می گوید: واژه آموزش و پرورش متضمن دلالت ضمنی، تجویزی و اخلاقی است. معمولاً ملاک های اخلاقی در انتخاب محتوای تربیتی مورد توجه بوده است. در واقع می شود گفت که بخش اساسی محتوای نظامات آموزشی و تربیتی در جهت غایات اخلاقی تهیه می شوند. بنیان گذاشتن اصل های درست اخلاقی در تعلیم و تربیت از دغدغه های همیشگی اندیشمندان حوزه تربیت از جمله کانت بوده است او می گوید: تربیت اخلاقی باید بر بنیاد اصل ها باشد که پرونده فهم است (نقیب زاده، ۱۳۷۴: ۳۹). بنابراین تربیت اخلاقی همیشه مورد توجه بوده است و گفته می - شود، تعلیم و تربیت بدون اخلاق محکوم به شکست است. از آنجا که بیشترین جمعیت کشور ما را جوانان تشکیل می دهد و از طرفی مرکز ثقل تأثیر جهانی شدن بر روی نسل در حال رشد یعنی نوجوانان و جوانان است. لذا مسئله ای که در این پژوهش مورد بررسی قرار می گیرد فرصتها و تهدیدهای عصر جهانی شدن

برای تربیت اخلاقی جوانان است. لازم به ذکر است که در پژوهش حاضر به لحاظ اهمیت بیشتر فرهنگ و تاثیر گذاری آن بر اخلاق، به تاثیر بعد فرهنگی بر تربیت اخلاقی جوانان پرداخته است.

۱-۲- ضرورت و اهمیت پژوهش

یکی از خصایص قرن حاضر ظهور نتایج چیزی است که از آن با عنوان جهانی شدن یاد کرده اند و جهانی شدن فرایندی است که تمام سطوح مادی و معنوی انسان امروز را تحت تاثیر قرار داده است. جهانی شدن تمام عرصه های زندگی بشر را به چالش می کشاند و هیچ حوزه ای از دستاوردهای بشر در طول قرون از تاثیرات آن مصون نمی ماند. این پدیده درعین آنکه همه مرزهای مادی را در هم می نوردد، می تواند مرزهای معنوی و باورمندی جهانیان را نیز در برگیرد و تمام عرصه ها را به چالش کشاند که از جمله آنها تربیت اخلاقی است. اخلاق از مهمترین مباحث قرآن است و از یک نظر مهمترین هدف انبیای الهی را تشکیل می دهد زیرا بدون اخلاق نه دین برای مردم مفهومی دارد و نه دنیای آنها سامان می یابد. همان گونه که گفته اند : اقوام روزگار به اخلاق زنده اند. قومی که گشت فاقد اخلاق مردنی است. اصولاً زمانی انسان شایسته نام انسان است که دارای اخلاق انسانی باشد و در غیر این صورت حیوان خطرناکی است که با استفاده از هوش سرشار انسانی همه چیز را ویران می کند و به آتش می کشد، برای رسیدن به منافع نامشروع مادی جنگ به پا می کند و برای فروش جنگ افزارهای ویرانگر تخم تفرقه و نفاق می پاشد و بی گناهان را به خاک و خون می کشد. او ممکن است به ظاهر متمدن باشد ولی در این حال حیوان خوش علفی است که نه حلال را می شناسد و نه حرام را، نه فرقی میان ظلم و عدالت قائل است و نه تفاوتی در میان ظالم و مظلوم، اهتمام به مقوله اخلاق از دوران باستان مورد توجه بوده و پرورش افراد با فضیلت در زمره اهداف تعلیم و تربیت قرار گرفته و همیشه در مجموعه اهداف مصوب نظام آموزشی مجموعه ای از اهداف اخلاقی دیده می شود و همواره تربیت اخلاقی محور سایر اهداف بوده و حتی در تعلیم انبیا هم به تربیت اخلاقی توجه زیادی شده است. در حدیث معروفی از پیامبر صلی الله علیه و اله سلم آمده است:

«انما بعث لاتمم مكارم الاخلاق»

بدرستی که که من برای تکمیل فضایل اخلاقی مبعوث شده‌ام (اصول کافی: ۱۶۹)

لذا تربیت اخلاقی در فرهنگ کشور ما که فرهنگی دینی، اسلامی است و تربیت ما نیز به یک معنی دینی و اخلاقی است از اهمیت فراوانی برخوردار است. از طرفی نسل جوان، از آسیب پذیرترین و حساس ترین نیروهای هر کشور است. جوانان، از گذشته های دور همچنان شکار خوبی برای دشمنان اسلام و انقلاب بوده اند. دشمنان انقلاب، امروز به خوبی دریافته اند که غارت و چپاول منابع مادی و معنوی ملل جهان سوم خصوصاً کشورهای اسلامی، منوط به تحریف فرهنگ و ارزشهای ملی و مذهبی و از سوی دیگر تحمیل نگرش غربی و سرانجام اشاعه فساد و بی تفاوتی میان مردم به ویژه نسل جوان است. از این روست که ژرف نگری و دقت در امور جوانان و رفع نیازمندی های فکری و معنوی آنان اهمیت بیشتری می یابد. و این در صورتی است که که بیشتر جمعیت کشور ما را جوانان تشکیل می دهند. شالوده این فرایند ما را برآن می دارد که به تحقیق درباره فرصتها و تهدیدهایی که پدیده جهانی شدن برای تربیت اخلاقی جوانان به وجود می آورد، بپردازیم.

۱-۳- پرسشهای پژوهش:

- ۲) تهدیدهای جهانی شدن برای تربیت اخلاقی جوانان چیست؟
- ۳) فرصتهای جهانی شدن برای تربیت اخلاقی جوانان چیست؟
- ۴) وظیفه آموزش و پرورش در استفاده از فرصتها و مقابله با تهدیدهای جهانی شدن چیست؟
- ۵) با چه نوع محتوا، اصول و روشهای تربیتی می توان با تهدیدهای جهانی شدن برای جوانان مقابله کرد؟

۱-۴- اهداف تحقیق:

تبیین فرایند جهانی شدن و تحلیل تاثیرگذاری آن بر تربیت اخلاقی جوانان

۱-۵- روش پژوهش:

مطالعه و پژوهش انجام شده از نوع تحقیق توصیفی می باشد و درگروه پژوهش های بنیادی قرار می گیرد. روش مورد استفاده در این تحقیق روش اسنادی از نوع توصیف و تبیین می باشد.

بسیاری از پژوهش های توصیفی مستلزم توصیف شکل، ساختار، فعالیت، تغییر در طی زمان و ارتباط آن با سایر پدیده ها و نظایر آن، بسیاری از کشفهای مهم علمی از کار پژوهش گرانی برخاسته که به چنین توصیفهایی پرداخته اند. پژوهش های توصیفی، دانش ما را درباره آنچه در مدارس رخ می دهد، به طور وسیعی افزایش داده است، برخی از کتابهای مهم تعلیم و تربیت، پژوهشهای از این نوع را گزارش کرده اند مانند زندگی در کلاس ها نوشته فیلیپ جکسون و دبیرستان خوب نوشته تارا لرنس لایت فوت. اگر پژوهش گران بتوانند پدیده ای تربیتی را تبیین کنند بدان معنا است که می تواند آن را توصیف و پیامد های آن را پیش بینی کنند و بدانند که چگونه مداخله کنند تا پیامدهای آن پدیده را تغییر دهند. پژوهش گران در وضع ایده ال تبیین های خود را به منزله نظریه هایی درباره پدیده های مورد تحقیق تنظیم می کنند. در این پژوهش نیز از روش توصیفی- تبیینی در خصوص مسئله جهانی شدن و فرصتها و تهدیدهای آن برای تربیت اخلاقی استفاده گردیده است. بدین طریق که ابتدا با مراجعه به کتابها و مجلات، نشریات، فصلنامه ها، سایتها مطالعات گسترده ای در مورد موضوع مطرح شده انجام شد. و از مطالب مورد نیاز فیش برداری شد. سپس با مطالعه دقیق مطالب گرد آوری شده مورد بازبینی قرار گرفت و ارتباط بین مطالب کشف شد و در نهایت با تجزیه و تحلیل داده ها به پاسخگویی سئوالات مطرح شده پرداخته و نتیجه گیری نهائی صورت گرفت. همچنین در زمینه جهانی شدن و تربیت اخلاقی مصاحبه های عمیقی با صاحب نظران در زمینه جهانی شدن و اخلاق (آیت الله مهدوی کنی، دکتر مهدی سجادی، دکتر مرتضی منادی، دکتر گلنار مهران و...) مربوط انجام شد تا از نظرات آنها در تعیین مؤلفه های اخلاق و مؤلفه های جهانی شدن تحقیق استفاده شود.

۱-۶- تعاریف مفاهیم و اصطلاحات

جهانی شدن: مفهوم جهانی شدن، هم به در هم فشردن شدن جهان و هم به تراکم آگاهی نسبت به جهان،

به عنوان یک کل دلالت دارد (رابرتسون، ۱۳۸۲: ۳۵)

جوان (young people) و جوانی (youth): جوانی از یک سو، یک مرحله از رشد و تکامل فیزیولوژی

است که از درون بلوغ آغاز می شود و هنگامی که رشد بدنی کم و بیش متوقف می شود به پایان می رسد.

از سوی دیگر، یک مرحله روانشناسی از زندگی است که در سراسر مراحل نوجوانی و پس از آن ادامه می

یابد. (فورناس و همکاران، ۱۳۸۴: ۵)

در این پژوهش براساس تعریف سازمان ملی جوانان، دامنه سنی ۱۵-۲۹ ساله به عنوان گروه سنی جوانان

مد نظر می باشد. (کیانی، ۱۳۸۶: ۱۸)

تربیت اخلاقی:

تربیت اخلاقی فرآیند زمینه سازی و به کارگیری شیوه های شکوفا سازی، تقویت و ایجاد صفات، فضائل،

رفتارها و آداب اخلاقی و اصلاح و از بین بردن صفات، رفتارها و آداب غیر اخلاقی در خود انسان یا دیگری

است (همت بناری، پیشین: ۱۷۸)

بخش اول : پیشینه نظری

مقدمه:

جهانی شدن، امروزه یکی از مهم ترین مباحث حوزه علوم انسانی به شمار می رود. جهانی شدن به عنوان یک پدیده رو به رشد و فراگیر تمامی جنبه های مختلف زندگی (عرصه های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی) را تحت تاثیر قرار می دهد، مساله ای که باید به آن توجه کرد و آنتونی گیدنز آن را مطرح می نماید این است که پدیده جهانی شدن صرفاً یک پدیده اقتصادی نیست که در پی یکپارچه کردن تولید، توزیع و مصرف کالا و خدمات باشد. جهانی شدن یک پدیده تک بعدی نیست، بلکه پدیده ای چند بعدی است. در دهه های پایانی قرن بیستم شاهد برجسته شدن فرهنگ هستیم، یکی از چالش برانگیزترین جنبه های جهانی شدن جنبه های فرهنگی جوامع است. جهانی شدن فرهنگ عبارت است از شکل گیری و گسترش فرهنگی خاص در عرصه های جهانی، این فرآیند موجی از همگونی فرهنگی را در جهان پدید می آورد و همه ی خاص های فرهنگی را به چالش می طلبد. یک برداشت رایج و آشنا از جهانی شدن فرهنگ غربی " امپریالیسم فرهنگی " است که عبارت از اراده معطوف به همگون سازی فرهنگی جهان، از این منظر از جهانی کردن و به عبارت دیگر غربی کردن سخن می گویند.(گل محمدی، ۱۳۸۲: ۱۰۲) از طرفی عصری که در آن قرار داریم، عصر ارتباطات و عصر سلطه پدیده رسانه بر زندگی انسان هاست، بی گمان برنامه های رادیویی، تلویزیونی، ماهواره ای و غیره موفق گشته اند افکار و عقاید انسان های بی شماری را دستخوش تغییر سازند.

در فصل حاضر ابتدا به ارائه پیشینه نظری جهانی شدن (تعاریف، اهمیت، ضرورت ، نظریه ها، دستاوردها، ابعاد و...) و سپس به بیان پیشینه عملی پژوهش می پردازیم.

۲-۱- تعاریف جهانی شدن

در این قسمت به برخی از تعاریف جهانی شدن از سوی اندیشمندان مختلف می پردازیم. با توجه به تکرار و تنوع تعاریف، که متأثر از دستاوردهای ایدئولوژیک پژوهشگران و رویکردهای آنان در برابر جهانی شدن به لحاظ رد یا قبول متفاوت است. احتشامی استاد روابط بین الملل دانشگاه دورهام معتقد است جهانی شدن هم یک سیستم و هم یک فرآیند است، جهانی شدن یک سیستم است یعنی «آخرین یا یکی از آخرین مراحل سرمایه داری است و البته نقطه پایانی ندارد. از این منظر جهانی شدن به چالش هنجارهای موجود و ساختارهای تثبیت شده می پردازد.» از دید او جهانی شدن فرایند هم هست، زیرا مثلاً "در منطقه خاورمیانه با دیگر نیروها به رقابت، اگر نگوئیم مبارزه، می پردازد" (Ehteshami, ۲۰۰۰:۳۱). کیلی^۱ جامعه شناس، جهانی شدن را عبارت از مجموعه فرآیندهایی می داند که پیوندها و اندرکنش ها را در سراسر عالم افزایش داده است. از دید او مهم ترین ویژگی این پیوندها این است که مرزهای دولت - ملت را در نوردیده است. (Kiely, ۲۰۰۵:۱). سرنی^۲ استاد دانشگاه راتگز، جهانی شدن را به سه بخش اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تقسیم می کند و معتقد است اصل جهانی شدن همانا اقتصادی و به معنای فرو افتادن مرزهای اقتصادی میان کشورهاست. از دید او، تبیین اجتماعی جهانی شدن بر دو سطح استوار است: سطح نخست به این مساله می پردازد که تصورات مردمان از خودشان به عنوان سوژه ها و شهروندان دولتهای ملی مورد چالش واقع شده و تصور دهکده جهانی غالب می شود و سطح دوم به تفرق فرهنگی اشاره دارد. اما در سطح سیاسی، جهانی شدن به معنای این است که امکانات دولتها در اقدام جمعی مؤثر داخلی و توانایی آنها برای سپردن تعهدات معتبر خارجی از داخل این دولتها تعیین نمی شود، بلکه از یک بازی چند سطحی خارجی نشأت می گیرد که میان همین دولتها همراه با دیگر بازیگران یعنی بازیگران سیاسی غیر دولتی، بازیگران اقتصادی (بازار) و بازیگران فرهنگی، در جریان است. سرنی معتقد است در نتیجه این بازی چند سطحی،

^۱ . Kiely. R

^۲ .Cerny. P.G

ماهیت دولت متحول می شود و از دولت رفاه به دولت رقابتی تبدیل میگردد (Cerny, ۲۰۰۷).

واترز می گوید «جهانی شدن فرآیندی اجتماعی است که در آن قید و بندهای جغرافیایی که بر روابط اجتماعی و فرهنگی سایه افکنده است، از بین می رود و مردم به طور فزاینده ای از کاهش این قید و بندها آگاه می شوند» (واترز^۱، ۱۳۷۹: ۱۱۴). رابرتسون^۲ می گوید: «جهانی شدن و سیاره ای شدن جهان مفهومی است که هم بر تراکم جهان و هم بر تشدید آگاهی درباره ی جهان به مثابه یک کل، هم به وابستگی متقابل در قلمرو جهانی و هم آگاهی از یکپارچگی جهان در قرن بیستم اشاره دارد» (به نقل از عالی ۱۳۸۴: ۲۵). آلبرو^۳ جهانی شدن را به فرآیندهایی که براساس آن تمام مردم جهان در یک جامعه واحد و فراگیر جهانی به هم می پیوندند تعریف می کند. و به طور ضمنی نقش دولتهای کنونی را در بعد حاکمیت کاهش داده و یک جامعه واحد جهانی خارج از حاکمیت دولتها را به تصویر می کشد، بدون آنکه فقدان قدرت ملی را به طور کلی منکر شود (پیشگامی فرد، ۱۳۸۰: ۶۶-۶۵). کاستلز با اشاره به عصر اطلاعات، جهان گرایی را ظهور نوعی جامعه شبکه ای می داند که در ادامه حرکت سرمایه داری، پهنه اقتصاد، فرهنگ و جامعه را در بر میگیرد. (قرلسقلی ۱۳۷۹: ۱۴). والرشتاین جهانی شدن را چنین تعریف می کند «شکل گیری شبکه های که طی آن اجتماعاتی که پیش از این در کره خاکی دورافتاده و منزوی بودند، در وابستگی متقابل و وحدت جهانی ادغام شدند (والرشتاین^۴، ۱۳۷۷: ۲۶۹). گیدنز^۵ معتقد است «در جامعه جهانی تاکید بر گذشتن از سطح ملی و ایجاد ساختارهای اصیل جهانی است» (کازمی، ۱۳۸۱: ۱۴). وی می گوید: «جهانی شدن واقعاً به دستورکار جدید در زندگی ما اشاره می کند، دستورکاری که در آن رویدادهای دور دست مستقیماً بر زندگی محلی تاثیر می گذارد و آنچه را که ما به عنوان یک فرد انجام می دهیم می تواند پیامدهای جهانی داشته باشد». از دیدگاه گرو و مارتین^۶ «جهانی شدن فرایند یکپارچگی مردم جهان در یک جامعه واحد

^۱. Waters. M

^۲. Robertson, R

^۳. Albrow, M

^۴. Wallerstein, E

^۵. Giddens, A

^۶. McGro & Albero, M

است، به نحوی که حوادث و اتفاقات در نواحی دور دست سبب شکل گیری رخداد‌های محلی می شود» (معیری، ۱۳۸۲: ۱۳۸). قنبری در تعریف جهانی شدن چنین می انگارد: «جهانی شدن یعنی یکسان شدن و مشابه شدن دنیا، بدین معنی که به دلیل افزایش استفاده از شبکه های ماهواره ای، رایانه ای، مخابرات و کانال های تلویزیونی، بتدریج کل ارزشها، مدلها، الگوها و فرهنگ جهان یکسان می شود» (قنبری، ۱۳۸۰: ۷۶-۷۷). بشیریه در مقاله «جهانی شدن و حاکمیت ملی» در تعریف جهانی شدن چنین نوشته است: مراد از جهانی شدن مجموعه فرآیندهای پیچیده ای است که به موجب آن، دولتهای ملی به نحو فزاینده ای به یکدیگر مرتبط و وابسته می شوند و همین وابستگی و ارتباط، مشکلاتی را برای مفهوم حاکمیت ملی به معنای قدیم ایجاد می کند. (بشیریه، ۱۳۸۰: ۲۰). تاملینسون^۱ «جهانی شدن را یکی از شرایط تجربی دنیای مدرن می داند و به عنوان ارتباط پیچیده از آن یاد می کند و می گوید: منظور من از این [مفهوم] آن است که جهانی شدن شبکه ای به سرعت گسترش یابنده و همیشه متراکم شونده از پیوندها و وابستگی متقابل است که وجه مشخصه زندگی اجتماعی مدرن به شمار می رود. وی همچنین عقیده دارد که جهانی شدن در قلمرو فرهنگ باید مورد توجه قرار گیرد که به منطقه زدایی فرهنگ می انجامد، یعنی وابستگی فرهنگ را به محل و منطقه و سرزمین از میان بر می دارد، در جهان کنونی قطع پیوند بین تجربه فرهنگی و مردم و منطقه زندگی آنها پیوندی که اغلب نگرش انسان ها را در همان منطقه زندگی آنها محدود می کند به یک الگوی عام تبدیل شده است اما خود جهانی شدن فرهنگ واکنشها و ساز و کارهایی ایجاد می کند که نتیجه آنها نوع جدیدی از منطقه ای شدن دوباره فرهنگ است» (تاملینسون، ۱۳۸۰: ۱۵۱) جهانی شدن از دیدگاه مجتهد زاده عبارت است از گسترش یا انتشار پدیده یا پدیده هایی در سطح جهان که با شیوه زندگی بشر در محیط، ارتباط نزدیکی دارد. در این رابطه آنچه در سطح جهان گسترش یافته و منتشر شده، نظام اقتصادی بازار است که همراه با گسترش سریع تکنولوژی اطلاع رسانی شیوه های موجود زندگی سیاسی، اقتصادی بشر را دستخوش دگرگونی های ژرفی می سازد (مجتهد زاده، ۱۳۸۱: ۱۳۲). افروغ در کتاب چالش

^۱ Tomlison, J